

خورشید

در پنج گنج نظامی

محمد کیا کجوری*

چکیده

در این مقاله در صدد برآمدیم خورشید و آفتاب را که مظهر قدرت، عظمت، زیبایی، درخشندگی و ... است و نظامی آن را زیر سپر نوآوری‌های خیال خود به تصویر کشیده است را از دو دیدگاه موضوع تصاویر و کاربرد زیبایی‌شناسی در پنج گنج نظامی بررسی و به شکل آماری و توصیفی از آیینة نگاه او به گونه بلاغی (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) به رشته تحریر درآوریم.

واژه‌های کلیدی: خورشید، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز.

در هیئت قدیم، خورشید سیاره‌ای است که به گرد مرکز عالم و زمین می‌گردد و در هیئت جدید، خورشید جسم مرکزی منظومه شمسی است. خورشید در معنی «درخشنده»، کلمه‌ای است پهلوی و حتی کلمه و واژه «آفتاب» که ترکیبی است از «آب» یا «آف» + «تاب» نیز یک واژه پهلوی است و در معنای «جرم روشن گرمابخش» آمده است، در واقع کره‌ای است نورانی که نزدیک‌ترین ثوابت به ما شمرده می‌شود. در آیین زردشتی، یکی از ایزدان موکل به روز یازدهم هر ماه شمسی است. خورشید نخستین کره آسمانی است که در ابتدای طلوع تمدن، توجه ساکنان زمین را به خود جلب کرده است. این توجه به طور روزافزون، منجر به پرستش خورشید شده و مذاهب مهرپرستی در ایران و هند و مصر و بسی دیگر از نقاط جهان، یکی از جلوه‌های این توجه بوده است و نقش حیاتی آفتاب در زندگی انسان، تفکر او را تا حدی پایان‌ناپذیر تحت تأثیر گرفته و مسائل و مباحث فراوانی به وجود آورده است.

در شعر فارسی، خورشید مظهر قدرت، عظمت، زیبایی، درخشندگی، بلندی، قهر، تصمیم، سودبخشی و سرعت است و در شعر شاعران، به تصورات و اعتقادات انسان درباره خورشید اشاره بسیار شده است و علاوه بر آن، تعبیرات، ترکیبات، تشبیهات و کنایات جالب و بی‌شمار درباره این سیاره به وجود

آمده است؛ به نحوی که شاعران فارسی، از جمله خاقانی، ظهیر، حافظ، نظامی و ...، با ابداع صدها تصویر و تعبیر درباره خورشید این اختر را «چشم فلک»، «دیده چرخ»، «چشمه نور»، «چشمه سیمابریز»، «آتش»، «آتش صبحی»، «آینه چینی»، «پرده عیسی گرای»، «چراغ سپهر»، «شاه چین»، «سلطان مشرقی»، «ریحان صبح»، «ریحان زرد»، «ساقی صبح خیز»، «طشت زرد»، «غلامی روسی»، «یاقوت»، «لعل فلک»، «چشمه آفتاب» و ... توصیف کرده‌اند.

در این بین، نظامی توانسته است بسامد تصاویر متنوعی را با قدرت، زیر سپر نوآوری‌های خود ببرد و چنین تصویرسازی، که نشان از قدرت او در سبک است، زندگی عامه مردم را نشان رفته و از این تصاویر آینه‌ای ساخته است که هر کس تصویر حقیقی خود و زندگی خویش را در آن می‌بیند. او زیبایی‌ها و زشتی‌ها را با هم به تصویر کشیده است و بیش از همه، عادات و رسوم مردم را، زبانش ساده مشکل نما و معجونی از اعتقادات و تجربیات است. همین سادگی و احاطه او بر گفتار مردم سبب شده است که تشبیهات و استعارات و نوآوری‌های جدید، سنگینی و ابهامی به وجود نیارود؛ بلکه لطیف و دلنشین گردد. به جهت تعدد و تنوع تصاویر - که از حد یک مقاله فراتر است - تصاویر مختلف خورشید یا آفتاب را از آینه نگاه نظامی به عنوان موضوع مقاله برگزیدیم و با نگاهی گذرا نمونه‌هایی از تصاویر مختلف خورشید و آفتاب که در پنج گنج نظامی جلوه‌گری می‌نمایند را به گونه هنری (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) نشان خواهیم داد.

کاربرد تشبیه

۱. تشبیه مفصل: در این نوع تشبیه، وجه و ادات تشبیه در کنار مشبه و مشبه‌به ذکر می‌شود و شاعر در کلیه شواهدی که در ذیل می‌آید، تصاویر زبانی در قالب تشبیه را از رهگذر کاربرد قاموسی و حقیقی واژگان زبان در ذهن تداعی می‌کند و مشبه و مشبه‌به را حسّی و مفرد می‌آورد؛ اما با این واژگان حقیقی در صدد بیان توضیح و معنی اندیشه و بیان مقصود محتوا برمی‌آید؛ مثلاً در بیت:

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش

چون مه و خورشید جوانمرد باش

تو: مشبه، حسّی، مفرد / خورشید: مشبه‌به، حسّی، مفرد

چون: ادات تشبیه / جوانمرد بودن: وجه شبه.

تو مانند خورشید و ماه باش و بدون در نظر گرفتن اوضاع طبیعی و اجتماعی، بر پستی و بلندی زمین بتاب و این از جوانمردی

خورشید و ماه است که در تابیدن، پستی و بلندی روزگار (زمین) را نادیده می‌گیرد و یکسان روشنی خود را می‌پراکند. در واقع، ماهیت تصویر بالا حول نکات زیر می‌گردد:

۱. خاستگاه معرفتی آن حسّی است و بیان تصاویر، آشکار و روشن می‌باشد.

۲. واقعیت تصویر به رنگ بیرونی و درونی شاعر می‌پردازد و آنقدر که می‌بایست شفاف و قاطع است.

۳. نقش تصویر فوق برای بیان محتوا، علاوه بر اتکا بر ادراک بصری، متکی بر بصیرت درون‌بینانه است.

۴. نسبت تصویر و محتوا جدایی‌ناپذیر و آمیخته و ممزوج به یکدیگر بوده و در محور افقی بافته شده است.

مشبه	مشبه‌به	ادات	وجه شبه	عنوان گنجنامه و صفحه
ش (شاه)	آفتاب	چو	تنها بر دشمن زدن	لیلی و مجنون ص ۴۲۳
چهره	آفتاب	چون	از جهت زردی	هفت پیکر ص ۶۰۳
او (بهرام)	خورشید	چو	فراخی بی و درخشندگی	هفت پیکر ص ۳۲
پادشاه	خورشید	چو	روشنایی و بخشش	هفت پیکر ص ۶۳۲
جمال	آفتاب نیمروز	چو	زیبایی و جمال و روی ممدوح	شرفنامه ص ۸۳۸
تو	خورشید	چون	جوانمرد بودن	مخزن الاسرار ص ۴۶
تو	خورشید	قیاس	نورانی بودن	خسرو و شیرین ص ۱۲۱

۲. تشبیه مجمل: در این نوع تشبیه در کنار مشبه و مشبه‌به، ادات تشبیه ذکر می‌شود و وجه شبه محذوف است. البته این نوع تشبیه به‌ندرت در گنج‌های نظامی به چشم می‌خورد. اما یک شاهد و نمونه از تشبیه مذکور خالی از لطف نیست:

یوسف دلوی شده چون آفتاب

یونس حوتی شده چون دلو آب (وحدید دستگردی، ۱۳۷۷: ۸)

یوسف دلوی: مشبه، مرکب مقید، عقلی / آفتاب: مشبه‌به، مفرد، حسّی
چون: ادات تشبیه / وجه شبه: محذوف است.

شاعر تصویر وارد شدن خورشید به برج دلو و آنگاه رفتن به برج حوت و از آنجا به برج حمل رسیدن را نشان داده است. البته در این بیت مقصود، خورشید وجود حضرت رسول اکرم (ص) است که با پیمودن این مسیر و تخت بر ثریا زدن، بهار معنوی در فلک را آشکار نموده است.

ماهیت تصویر مذکور در عین صریح بودن، تلویحی و سایه‌وار است و شکل واقعی تصویر، متکی بر بصیرت درون است که از طریق ادراک، حسّی بیرونی به آن راه یافته است و از طرفی برای رسیدن به محتوای تصویر، نمی‌شود از کاربرد عینی و حقیقی واژگان زبان چشم‌پوشی کرد.

۳. **تشبیه مؤکد:** علاوه بر وجود دو سوی تشبیه (مشبه و مشبه‌به)، وجه شبه نیز ذکر شده و ادات تشبیه محذوف است. نمونه‌های چنین تشبیهی در تک‌تک گنج‌های نظامی موجود است، که به تعدادی از آن با شرح تصویر یکی از نمونه‌ها اشاره می‌شود:

من ماه، تو آفتابی از نور

چشمی به تو می‌گشایم از دور (همان: ۵۳۳)

تو: مشبه، مفرد، حسی / آفتاب: مشبه‌به، مفرد، حسی

از جهت نورانیت (درخشندگی): وجه شبه / ادات تشبیه: محذوف است. به خاطر درخشندگی بسیار تو می‌بایست از دور تو را نظاره‌گر باشم؛ یعنی درخشندگی وجود تو که مانند آفتاب است، اجازه نگاه را از نزدیک به من و چشمان من نمی‌دهد. ماهیت تصویر در بیت بالا، اولاً خاستگاه معرفتی آن حسی است و روابط بین مشبه و مشبه‌به و اشیاء درون آن عقلانی است؛ البته خالی از احساس و عاطفه نیست؛ در ثانی، دو سوی تصویر از نظر ماهیت شفاف و قاطع است. از نظر کارکرد و نقش تصویر نیز کار تصویر علاوه بر فهماندن برای ایجاد احساس و تکمیل محتوا و معناست و تصویر در بافت در محور افقی مفهوم پیدا می‌کند.

مشبه	مشبه‌به	ادات	وجه شبه	عنوان گنجنامه و صفحه
سکندر	خورشید آفاق	حذف	از جهت روشنی	اقبالنامه، ص ۱۸۴
خورشید	طاووس	حذف	بال گشودن	اقبالنامه، ص ۱۲۱۸
آفتاب	لعل	حذف	از جهت پیرایش، درخشندگی و زینده بودن	مخزن الاسرار، ص ۱
خورشید	طاووس	حذف	پر افشاندن	خسرو و شیرین، ص ۳۳۱

۴. **تشبیه بلیغ:** به جهت حذف وجه شبه و ادات تشبیه این نوع تشبیه بیش از انواع دیگر از مبالغه و تأکید برخوردار است و در واقع هنری‌ترین و زیباترین تشبیهات است و به استعاره نیز نزدیک می‌باشد. در این نوع تشبیه نیز نمونه‌ها کم نیست و شاعر از تصاویر چنین نوع تشبیهی در گنجنامه‌هایش بهره‌ها برده است. نمونه:

چو یاقوت خورشید را دزد برد

به یاقوت جستن جهان پی فشرده (همان: ۹۰۶)

خورشید: مشبه، مفرد، حسی / یاقوت: مشبه به، مفرد، حسی

ادات و وجه شبه: محذوف.

چون یاقوت سرخ‌رنگ خورشید را دزد مغرب برد جهان و جهانیان در صدد پیدا کردن دزد خورشید برآمدند؛ گویی دزد نور خورشید همان مهتاب است که با رسیدن شب نمایان می‌شود.

در تصویر بالا، دو سوی تصویر حسی است و مولود عقل است و واقعیت را بیرون از روان هنرمند می‌توان متصور شد. از این رو تصویر ما شفاف و قاطع است، اما در کارکرد و نقش خود نیز خالی از آرایه و زینت محتوایی و معنایی نیست.

مشبه	مشبه‌به	ادات	وجه شبه	عنوان گنجنامه و صفحه
زردی من	آفتاب	محذوف	محذوف	لیلی و مجنون، ص ۵۱۱
خورشید	عروس	محذوف	محذوف	لیلی و مجنون، ص ۵۰۰
آفتاب	چشمه	محذوف	محذوف	شرفنامه، ص ۸۹۶
خورشید	مهره	محذوف	محذوف	مخزن الاسرار، ص ۳۸

کاربرد استعاره

در واقع استعاره، تشبیه فشرده‌ای است که در کلام فقط مشبه یا مشبه‌به از آن به جا مانده باشد.

۱. **استعاره مصرحه یا تحقیقیه:** آن است که از ارکان تشبیه تنها مشبه‌به (مستعار منه) در آن ذکر شود. سیر تحول تصویر شعری در ادب فارسی به وضوح گویای آن است که فرآیند تجربه‌های خیالین شاعرانه پیوسته در حال تغییر بوده است و در قرن ششم با ظهور تشبیه‌های عقلی و خیالی، شعرها خیالی‌تر می‌شود و با ورود استعاره ساختار تصویر پیچیده‌تر و تا حدی از سطح نازک ادراک حسی پا فراتر می‌گذارد و در واقع تصاویر کم کم از محدوده زبانی پا به عرصه خیال می‌گذارند و تولد تصاویر مجازی را به همراه دارند. این نوع استعاره در گنجنامه‌های نظامی بسیار دیده شده است. به ذکر تعدادی بسنده می‌کنیم و به شرح و بسط تصویری یک بیت می‌پردازیم:

ابروی حبش به چین درآمد

کاینه چین ز چین برآمد (همان: ۴۹۰)

آینه چین: مشبه‌به (مستعار منه) // خورشید: مشبه (مستعار له)

خاقانی شروانی «آینه چین» را در مفهوم بیت فوق چنین آورده است:

خسرو چین از افق آینه چین نمود

ز آینه چرخ رفت رنگ سخن زنگبار (همان: ۱۸۲)

آینه چینی، آینه‌ای از فولاد جوهردار است و استعاره از خورشید؛ و چین به جهت آنکه در شرق وجود دارد، محل طلوع خورشید می‌باشد و ابروی حبش نیز استعاره از ماه شب است.

مفهوم بیت: با برآمدن خورشید از مشرق و خاور، شب ابروی ماه خود را پرچین کرد و دور شد (شب رفت و روز فرا رسید).

هرگاه شعر فارسی به سمت استعاره گرایش پیدا کرده، مرز میان ذهن و واقعیت کم‌رنگ شده و جهان ذهنی بر جهان واقعی غلبه پیدا کرده است و در واقع دوره غلبه استعاره، دوره گسترش احساسات فردی و رمانتیکی است؛ یعنی تصویر فوق از نظر ماهیت:

۱. مولود عاطفه و احساس است.

۲. کلمات معنی اشاره‌ای و کنایی دارند و بیان، تلویحی و اشاره‌ای است.

۳. در واقع واقعیت را باید در درون هنرمند و شاعر پیدا کرد؛ چرا که

مشبّه (مستعارله)	مشبّه به (مستعار منه)	عنوان کتبخنامه و صفحه
لیلی	آفتاب	لیلی و مجنون، ص ۴۷۹
خورشید	چراغ آسمان گرد	لیلی و مجنون، ص ۴۹۴
خورشید	شاهسوار چراغ گردان	لیلی مجنون، ص ۵۴۳
خورشید	غلام روسی	لیلی و مجنون، ص ۴۹۹
خورشید	گل زرد	لیلی و مجنون، ص ۴۹۲
خورشید وجود لیلی	یوسف رخ مشرقی	لیلی و مجنون، ص ۴۴۴
چهره محبوب	خورشید	هفت پیکر، ص ۷۱۴
خورشید	چشمه نور	هفت پیکر، ص ۷۶۴
خورشید	زرین کوس	هفت پیکر، ص ۷۲۰
خورشید	سلطان مشرقی	هفت پیکر، ص ۷۴۵
خورشید	مرغ	هفت پیکر، ص ۷۱۸
خورشید	آتش	شرفنامه، ص ۸۶۲
خورشید	آیینة چینی	شرفنامه، ص ۱۰۰۷
خورشید	بور بیجاده رنگ	شرفنامه، ص ۱۰۴۲
خورشید	ترک سلطان شکوه	شرفنامه، ص ۱۰۵۶
خورشید	چراغ سپهر	شرفنامه، ص ۸۴۶
خورشید	چراغ جهان	شرفنامه، ص ۸۷۳
خورشید	خایه زرین	شرفنامه، ص ۹۴۵
خورشید	خاتون یغما	شرفنامه، ص ۱۰۰۷
دارا	خورشید	شرفنامه، ص ۸۹۲
اشعه خورشید	ریحان زرد	شرفنامه، ص ۹۸۹
خورشید	زرین چراغ	شرفنامه، ص ۹۸۱
خورشید	ساقی صبح خیز	شرفنامه، ص ۱۰۵۴
خورشید	شاه چین	شرفنامه، ص ۹۰۱
خورشید	گل سرخ	شرفنامه، ص ۸۵۹
خورشید	طاووس مشرق خرام	شرفنامه، ص ۱۰۳۶
خورشید	آتش و کلیچه	شرفنامه، ص ۹۰۸

مشبّه به (مستعارله)	مشبّه (مستعار منه)	عنوان کتبخنامه و صفحه
خورشید	گوی زر	شرفنامه، ص ۹۶۳
آفتاب	یاقوت	شرفنامه، ص ۹۱۴
خورشید	یاقوت رخشان	شرفنامه، ص ۱۰۶۱
ممدوح	آفتاب	اقبالنامه، ص ۱۱۲۶
شاه	تابنده خورشید	اقبالنامه، ص ۱۱۷۱
خورشید	ریحان صبح	اقبالنامه، ص ۱۲۳۶
خورشید	چراغ سحر	مخزن الاسرار، ص ۳۰
خورشید	چشمه سیماب ریز	مخزن الاسرار، ص ۱۷
خورشید	زنگله روز	مخزن الاسرار، ص ۲۶
خورشید	آینه	مخزن الاسرار، ص ۴۱
خورشید	شه نیمروز	مخزن الاسرار، ص ۲۸
خورشید	طشت زر	مخزن الاسرار، ص ۸۲
خورشید	گوی زرد	مخزن الاسرار، ص ۴۴
خورشید	لعل فلک	مخزن الاسرار، ص ۳۷
خورشید وجود پیغمبر	ملک نیمروز	مخزن الاسرار، ص ۸
خورشید	یوسف زرین رسن	مخزن الاسرار، ص ۳۲
خورشید	آتش مشرق	خسرو و شیرین، ص ۲۸۲
خورشید	أهوی ختن گرد	خسرو و شیرین، ص ۲۲۰
خورشید	بور گلرنگ	خسرو و شیرین، ص ۱۴۷
خورشید	تاج زرین	خسرو و شیرین، ص ۱۴۸
شیرین	تابنده خورشید	خسرو و شیرین، ص ۳۴۷
خسرو	تازه خورشید جهانتاب	خسرو و شیرین، ص ۱۳۸
خورشید	دزد مشرق	خسرو و شیرین، ص ۳۲۷
خورشید	شاهنشاه صبح	خسرو و شیرین، ص ۲۲۳
خورشید	طاووس فلک	خسرو و شیرین، ص ۱۸۸
خورشید	گل زرد	خسرو و شیرین، ص ۱۳۵

نقش و کارکرد تصویر برای ایجاد تأثیر در خواننده است و آرایه و زینت محتوا مکمل معنا می‌شود.

۴. بین تصویر و محتوا امتزاج و آمیختگی محمکی است که اصطلاحاً برای پوشش یکدیگر خلق شده‌اند. البته وجود ابیاتی با چنین ماهیتی بسیار در پنج گنج نظامی دیده شده است که به ذکر نمونه‌های اندکی بسنده می‌شود:

۲. **استعاره مکنیه:** استعاره‌ای است که در آن، مشبّه (مستعارله) را به همراه یکی از لوازم مشبّه به می‌آورند و امروزه بزرگان ادب پارسی استعاره مکنیه را تحت عنوان «تشخیص» مطرح کرده‌اند و سخنوران اروپایی (کروچه) «ملکه تشبیهات مجازی». شاید بتوان گفت که اغلب استعاره‌های شعری در آغاز تشبیهی است و در طول زمان به صورت خیال شاعرانه‌ای که رنگ تشبیه دارد و دارای اجزای بیشتری است، به گونه استعاره درمی‌آید.

تعداد ابیات در باب استعاره مکنیه کمتر از استعاره مصرّحه در پنج گنج آمده است. ضمن شرح و تحلیل یک بیت از نظر صورت خیالی و کارکرد و بافت آن در کلام، به ذکر نمونه‌های دیگر نیز خواهیم

پرداخت:

دگر روزی که خوان لاجوردی

گرفتی از تنور صبح زردی (همان: ۲۷۷)

تنور صبح: مشبّه (مستعار له) / خورشید: مشبّه به (مستعار منه)

آسمان لاجوردی رنگ که به مثابه سفره پهنی است، با طلوع خورشید، از تنور صبح یا تنور شرق، که همان دمیدنگاه و محل طلوع خورشید است، نان زرد (خورشید) را برگرفت.

از نظر ماهیت، تصویر فوق مولود عقل است و خاستگاه معرفتی آن، احساسی و عاطفی است. قسمتی از تصویر، رؤیایی است و معنای کلمه اشاره‌ای و کنایی به کاررفته، بیان مستقیم مطلب نیست و واقعیت به رنگ درون شاعر و هنرمند برمی‌گردد. نقش و کارکرد تصویر فوق، علاوه بر بیان محتوا، برای ایجاد تأثیر در خواننده است. پس کار تصویر، علاوه بر فهماندن مطلب، برانگیختن احساس نیز هست. بین تصویر و محتوا آمیختگی جدایی‌ناپذیر وجود دارد که برای پوشش یکدیگر آمده‌اند و در بافت تصویر پویا و بالنده است و در محور عمودی دنبال می‌شود و تصویر درهم‌پیوسته است.

کاربرد مجاز

مجاز استعمال لفظ در معنای غیر حقیقی، با وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنی حقیقی باشد و شرط معنی حقیقی به مجازی، وجود مناسبتی بین آن دو است که آن را قرینه گویند. گاهی استعمال لفظ مناسبت و علاقه‌اش بر شباهت و همانندی است و گاهی به علاقه ناهمانندی. در نتیجه، مجازی که بر پایه تشبیه و همانندی باشد، شامل کلیه استعاره‌های مصرّحه می‌شود که شواهد و نمونه‌های آن پیش از آن ذکر شد. پس کلیه استعاره‌های مصرّحه مجاز هستند. اما مجاز ناهمانندی هیچ قاعده و قانونی ندارد و در تشخیص نوع و علت علاقه به مجاز به دقت و ذوق شنونده برمی‌گردد، اما گوینده بدون شک با قراینی سنجیده و کلمه یا کلام را در معنی مجازی به کار می‌برد.

بر سفت عرب غلام روسی

افکنند مصلی عروسی (وحید دستگردی، ۱۳۷۷: ۴۹۹)

مشبه (مستعار له)	مشبه به (مستعار منه)	عنوان گنجنامه و صفحه
آتش صبح	خورشید	مخزن الاسرار، ص ۷۰
جام سحر	خورشید	مخزن الاسرار، ص ۲
علم صبح	خورشید	مخزن الاسرار، ص ۱۰۰
چراغ روز	خورشید	خسرو و شیرین، ص ۱۴۶
چشمه نور	خورشید	خسرو و شیرین، ص ۳۲۷
خانه زر	خورشید	خسرو و شیرین، ص ۱۳۶
شمع صبح	خورشید	خسرو و شیرین، ص ۲۸۷

کاربرد کنایه

کنایه واژه، ترکیب و یا جمله‌ای است که دارای دو معنی حقیقی و مجازی باشد، به طوری که این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند و هدف گوینده، معنی مجازی باشد؛ اما چون قرینه صارفه وجود ندارد، معنای حقیقی آن هم در نظر است. از بین انواع کنایه، آنچه در مقاله مورد نظر بیشترین بسامد را داراست، کنایه فعل یا مصدر است.

مکتی به	مکتی عنه	عنوان گنجنامه و صفحه
خیمه زدن آفتاب	طلوع کردن	لیلی و مجنون، ص ۵۰۰
آفتاب زرد نزدیک شدن	عمر پایان یافتن	لیلی و مجنون، ص ۵۱۱
سر برآوردن چراغ آسمان گرد	طلوع کردن خورشید	لیلی و مجنون، ص ۴۹۴
دندان باز نمودن خورشید	آشکار شدن نورش	لیلی و مجنون، ص ۴۷۸
خورشید به گل اندودن	کار بی نتیجه و بیهوده کردن	لیلی و مجنون، ص ۴۴۵
جام جمشید به دست گرفتن خورشید	طلوع کردن	لیلی و مجنون، ص ۴۹۹
آفتاب به گل اندودن	کار بیهوده کردن	هفت‌پیکر، ص ۶۲۶
پر افشاندن مرغ	طلوع کردن	هفت‌پیکر، ص ۷۱۸
گلنارگون شدن کسوت آفتاب	سرخی کامل گرفتن خورشید	شرفنامه، ص ۸۵۹
سرخ را به خورشید رساندن	ارجمند کردن	شرفنامه، ص ۸۲۴
خورشید زیر گل پوشاندن	کار بیهوده کردن	شرفنامه، ص ۹۵۸
روی خورشید گل پوشیدن	مخفی کردن و معرفی نکردن	شرفنامه، ص ۹۵۸
آفتاب از چاه دلو بیرون رفتن	به سعادت و خوشبختی رسیدن	شرفنامه، ص ۹۶۶
چراغ شبش مشعل روز بودن	بخت و اقبالش مانند خورشید روشن بودن	شرفنامه، ص ۸۲۹
گل از چشمه آفتاب برآمدن	طلوع کردن	اقبالنامه، ص ۱۱۶۱
خورشید به نیش عقرب خوردن	به سرمای خزان رسیدن	اقبالنامه، ص ۱۲۳۸
سپر انداختن آفتاب	غروب کردن	مخزن الاسرار، ص ۲۵
به گل پنهان کردن خورشید	کار بیهوده کردن	خسرو و شیرین، ص ۱۴۸
شیشه‌بازی کردن فلک	خورشید نمودار کردن	خسرو و شیرین، ص ۱۹۷
شیشه‌بازی کردن	آشکار کردن خورشید	خسرو و شیرین، ص ۱۳۸
شش‌اندازی به جای شیشه‌بازی	پنهان کرد خورشید	خسرو و شیرین، ص ۱۳۸



رسن، کاسه، یاقوت، جام، قبا، قلعه، کلیچه، نان، آیینة چین، شاهسوار، شاه، غلام روسی، چراغ آسمان گرد، ممدوح و ...، که می توان گفت این مواد از طبیعت- تصاویر زندگی و انسان و آنچه انسانی است گرفته شده است، که در هر قسمت سعی شد یک بیت از نظر نوع تصویر و بافت آن شرح کوتاه داده شود و مابقی فقط با ایما و اشاره ذکر شود.

کاربرد عناصر زیبایی شناسی

در پنج گنج نظامی تشبیه و استعاره به لحاظ ساختار در انواع مختلفشان، از بسامدی بالا برخوردارند. از دیگر عناصر زیبایی شناسی در شعر نظامی، کنایه است، که بیشترین بسامد آن، قالب فعلی و مصدری بوده است. ابزار دیگر تصویرگری برای شاعر، مجاز است، که بیشترین نوع مجاز در باب علاقه به شباهت به کار گرفته شده و در باب استعاره مصرحه قرار می گیرد.

پی نوشت

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (مقاله ارائه شده به همایش حکیم نظامی گنجوی).

کتابنامه

- تجلیل، جلیل، ۱۳۷۰، معانی و بیان. چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثروتیان، بهروز، ۱۳۶۹، بیان در شعر فارسی. چاپ اول، تهران: برگ.
- زنجانی، برات، ۱۳۷۴، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی. تهران: دانشگاه تهران.
- سجادی، سیدضیاءالدین، ۱۳۷۴، فرهنگ لغات و تعبیرات خاقانی شروانی. دو جلدی، چاپ اول، تهران: زوآر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۸، صور خیال در شعر فارسی. چاپ هفتم، تهران: آگاه.
- فاطمی، سیدحسین، ۱۳۷۹، تصویرگری در غزلیات شمس. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- فتوحی، محمود، ۱۳۸۶، بلاغت تصویر. چاپ اول، تهران: سخن.
- قیس رازی، شمس، ۱۳۶۲، المعجم فی المعاییر الاشعار العجم. به تصحیح محمد قزوینی. تهران: زوآر.
- کروچه، بند تو، ۱۳۴۴، کلیات زبان شناسی. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ معین. دوره ۶ جلدی، تهران: امیرکبیر.
- وحید دستگردی، حسن، ۱۳۷۷، کلیات خمسه نظامی. با مقدمه دکتر وحیدنیا. دو جلد، چاپ اول، تهران: صفیعلی شاه

عروس: کلیه / سپیدی: جزئیه

کآفتاب آمدی برون ز نورد

چهره چون آفتاب کردی زرد (همان: ۶۰۳)

چهره: جزئیه / قصر خورنق: کلیه

جمالی چو در نیمروز آفتاب

کرشمه کنان نرگسی نیم خواب (همان: ۸۳۸)

جمال: جزئیه (حال) / ممدوح: کلیه (محل)

حاصل سخن

آنچه در این مقاله به رشته تحریر درآمده است، حاصل پژوهش، دقت و تأمل در گنجنامه های نظامی است و تصاویر خورشید در شعر شاعر از دو دیدگاه موضوع تصویر و عناصر زیبایی شناسی است که در نظر قرار گرفته است.

موضوع تصاویر

در این مقاله در بخش های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، با توجه به دو سوی بحث، یعنی مشبیه یا مشبیه به، مستعار منه یا مستعار له، مکتبی به یا مکتبی عنه و مجاز، یک سوی آن به خورشید و آفتاب و روشنایی محدود شده و آن هم به جهت موضوع مقاله بوده است؛ اما سوی دیگر موارد گوناگونی را شامل می شود؛ از جمله انسان و صفات و لوازم آن، حیوان، اشیاء، پرندگان، گل ها، کوه، سنگ، باد، آتش، روز (نور)، آسمان، فلک، خورشید و لوازم آن (ستارگان و ماه)، گوی، چوگان،